ترس از پدر دختر نوجوان را گرفتار آدم ربایان کرد

■ آرمین بینا

یکی از اعضای باندی که دختر نوجوان را از مقابل پارکی در تهران ربوده و به شهرستان خمین منتقل کرده بودند، بازداشت شد.

به گزارش جوان، چندی قبل مردی در تهران به اداره پلیس رفت و از گم شدن ناگهانی دختر ۱۷ ساله‌اش به نام سحر شکایت کرد.

شاکی در توضیح ماجرا گفت: «ساعتی قبل از محل کار به خانه‌ام برگشتم و متوجه شدم دخترم در خانه نیست. وقتی از مادرش سؤال کردم گفت برای دیدن یکی از دوستانش بیرون رفته است و به زودی برمی‌گردد. معمولاً دخترم بدون اجازه من از خانه بیرون نمی‌رفت و به همین خاطر خیلی عصبانی شدم و برای پیدا کردن او از خانه بیرون رفتم، اما هر چقدر دنبالش گشتم اثری از او نیافتم. پس از این به خانه دوستانش و فامیل‌های دور و نزدیک رفتیم اما آنها هم از سحر خبر نداشتند و گفتند دخترم به خانه آنها نرفته است. ما حتی به مراکز درمانی هم سر زدیم و در آنجا هم نام دخترم در لیست افراد بیمار نبود. من احتمال می‌دهم برای دخترم اتفاق بدی رخ داده باشد.»

■ **گردش شبانه**

با شکایت مرد میانسال پرونده به دستور قاضی محمدامین تقویان، بازپرس دادسرای امور جنایی تهران برای پیدا کردن دختر گمشده در اختیار تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت.

در حالی که تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت، روز بعد از حادثه پدر سحر به مأموران پلیس خبر داد دخترش به خانه برگشته است.

بدین ترتیب مأموران برای بررسی موضوع از سحر تحقیق کردند و وی در توضیح ماجرا گفت: «پدرم کمی سختگیر بود و اجازه نمی‌داد همراه دوستانم به گردش و تفریح بروم و به همین خاطر زمانی که پدرم سر کار بود با دوستانم در پارک و خیابان قرار می‌گذاشتم و به گردش می‌رفتیم. شب حادثه قرار بود همراه دوستانم به پارک بروم اما پدرم اجازه نداد اما من غروب به پارک رفتم و تصمیم داشتم قبل از اینکه پدرم به خانه برگردد من هم به خانه بروم اما ناگهان پدرم را داخل پارک دیدم. خیلی ترسیده بودم و می‌دانستم اگر مرا ببیند تنبیه می‌کند و از ترس پشت درختی پنهان شدم تا پدرم از پارک بیرون رفت. پس از این تصمیم گرفتم شب را به خانه دوستم بروم و از آنجا با پدرم تماس بگیرم و بگویم شب پیش دوستم هستم و از او بخواهم به‌دنبال من بیاید.»

■ **باغ وحشت**

وی ادامه داد: «وقتی سراسیمه از پارک بیرون رفتم با پسر جوان موتورسواری برخورد کردم و از او خواستم با تلفن همراهش با دوستم تماس بگیرم. او تلفنش را به من داد و من هم آدرس خانه دوستم را گرفتم که پسر جوان پیشنهاد داد با موتورسیکلتش مرا به خانه دوستم برساند. او گفت با موتورسیکلت خیلی سریع می‌رسیم و من هم به او اعتماد کردم و سوار موتورسیکلتش شدم، اما او در میانه راه با یکی از دوستانش تماس گرفت و دقایقی بعد دوستش با خودروی پژویی راه ما را سد کرد. وقتی متوجه نیت آنها شدم خواستم فرار کنم که راننده خودرو با شوکر چند ضربه‌ای به من زد و وقتی من بی‌حال شدم دو نفری مرا به داخل خودرو کشیدند و بعد به راه افتادند. وقتی حالم بهتر شد تازه متوجه شدم آنها مرا به شهر خمین آورده‌اند و در خانه باغی حبس کرده‌اند. آدم ربایان دست و پایم را بستند و تهدید کردند اگر حرفی بزنم مرا می‌کشند. خیلی ترسیده بودم و وحشت تمام بدنم را فرا گرفته بود اما چاره‌ای نداشتم چون صدای فریادهایم به گوش کسی نمی‌رسید. آن شب یکی از آنها مرا آزار داد و در نهایت هم ساعت ۱۳ بعد از ظهر روز بعد مرا به تهران آوردند و در یکی از خیابان‌های اطراف خانه مان رها کردند.»

■ **بازداشت یکی از متهمان**

با به‌دست آمدن این اطلاعات مأموران پلیس تحقیقات گسترده‌ای را برای شناسایی عاملان ربایش دختر جوان آغاز کردند تا اینکه دو روز قبل مخفیگاه یکی از متهمان را شناسایی کرده و وی را به دام انداختند.

صبح دیروز متهم برای بازجویی به دادسرای امور جنایی تهران منتقل شد و به جرم خود با همدستی یکی از دوستانش اعتراف کرد. وی در ادعایی با اظهار پشیمانی گفت: «شب حادثه بیرون از پارک بودم که دختر جوان به سراغم آمد و از من خواست تلفن همراهم را برای تماس ضروری در اختیار او قرار دهم. وقتی تلفنم را به او دادم از حرف‌هایش متوجه شدم از خانه شان فرار کرده و همان لحظه وسوسه شدم او را همراه یکی از دوستانم بربایم. البته من قصد آزار و اذیت نداشتم و فقط می‌خواستم پیش دوستانم عرض اندام کنم و بگویم من دختری را یک شب پیش خودم نگه داشته‌ام و به همین خاطر هم آن شب از دختر جوان فیلم تهیه کردم تا به دوستانم نشان دهم و قدرت‌نمایی کنم. بهرحال دختر جوان را به بهانه اینکه او را به خانه دوستش برسانم فریب دادم و سوار موتور سیکلتم کردم اما به جای اینکه او را به خانه دوستش ببرم با دوست خودم هماهنگ کردم تا او را بربابیم. دقایقی بعد دوستم با خودرواش رسید و به زور دختر جوان را سوار کردیم اما او مقاومت کرد که دوستم با شوکری که همراه داشت چند ضربه به او زد و دختر جوان هم بی‌حال شد و بعد دو نفری او را سوار خودرو کردیم و به باغی در شهر خمین بردیم. یک شب او را نگهداشتیم و روز بعد دختر جوان را به تهران برگرداندیم و رهایش کردیم.»

متهم در ادامه برای ادامه تحقیقات در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت. مأموران در تلاشند تا همدست وی را بازداشت کنند.

از دستبرد به خانه پلیس تا کلاهبرداری با وعده وام

■ محبوبه قربانی

مأموران پلیس پایتخت در آخرین مرحله از طرح کاشف ۳۴۲ تبهکار دیگر را که به شیوه‌های مختلف امنیت جامعه را تهدید کرده‌بودند، بازداشت کردند. کلاهبرداری با وعده دریافت وام، سرقت ناشیانه دستگاه‌های ماینر، آموزش کلاهبرداری در زندان و سرقت ۵۰میلیاردی از خانه پلیس بازنشسته از جمله جرائمی بود که در سیاهه جرائم ثبت شده‌بود.

در حاشیه طرح کاشف تعداد زیادی از متهمان دستگیر شده به حیاط پلیس آگاهی منتقل شده‌بودند و همچنین تعدادی از مالباختگان هم حضور داشتند که برای گفت‌وگو با آنها به سراغ تعدادی از آنها رفتم.

کلاهبرداری به بهانه پرداخت وام!

متهم مربی بدنسازی بود. او با گرفتن مجوز شرکتی به بهانه پرداخت وام مرتکب کلاهبرداری میلیاردی شده بود.

چند سال داری؟

۴۸ سال.

سابقه داری؟

خیر.

قرار بود چه خدماتی ارائه بدی؟

در سایت دیوار آگهی داده بودیم تا افراد با پرداخت کارمزد کمی وام بگیرند. حین ثبت نام متقاضیان علی الحساب از آنها یک میلیون تا ۶میلیون تومان پول گرفتیم.

چه سالی مرتکب این جرم شدی و چه مبلغی کلاهبرداری کردی؟

سال ۹۵ حدود ۳ میلیارد تومان کلاهبرداری کردم.

چند شاکی داری؟

۱۶۷نفر.

این چند سال کجا بودی؟

فراری بودم.

در ایران یا خارج از ایران؟

نه، در کشور بودم و در چند شهر مختلف متواری بودم.

سرقت میلیاردی از خانه ویلایی پلیس بازنشسته

دیگر متهم حاضر در حیاط پلیس آگاهی پسر جوانی بود که با همدستی یکی از دوستانش در خلوتی و تاریکی شب به خانه‌های ویلایی در شهرک غرب دستبرد زده بودند. یکی از شاکیان این پرونده زن میانسالی بود که افسر بازنشسته بود که با ما گفت‌وگو کرد. سارقان سرمایه ۵۰ سال زحمت او را یک شبه سرقت کرده‌بودند.

سارقان چه زمانی از خانه شما سرقت کردند؟

اردیبهشت بود که دو سارق به زور وارد خانه‌ام شدند و مرا بیچاره کردند.

در خانه تنها بودید؟

خیر، با عروس و پسرم زندگی می‌کردم. آن شب آنها هم در خانه بودند.

چطور متوجه سارقان شدید؟

شب بود که صدای فریادهای عروسم را شنیدم و رفتم داخل حیاط دیدم دو مرد جوان در حالی که صورتشان را پوشانده بودند و سلاح سرد همراهشان بود از دیوار خانه به حیاط پریده و عروسم را تهدید می‌کنند. از آنجایی که پلیس بازنشسته بودم حدس زدم آنها مسلح باشند و خطر جانی ما را تهدید کند. پسرم را آرام کردم و نگذاشتم با آنها درگیر شود. بعد به سارقان گفتم چه می‌خواهید که گفتند رمز گاوصندوق. رمز را گفتم و خواستم عروسم را رها کنند. آنها دست و پای ما را بستند و داخل زیرزمین حبس کردند سپس از داخل گاوصندوق حدود ۱۵ میلیارد تومان طلا و دلار سرقت کردند و گریختند.

چرا این همه دلار و طلا داخل گاوصندوق خانه نگه داشته بودید؟

آنها را آماده کرده بودم تا برای عروسی دخترم به استرالیا ببرم.

شاکی در آخر گفت: «زحمات ۵۰ساله‌ام یک شبه سرقت شد.»

ناشی بودیم!

باز هم کلاهبرداری از سایت دیوار و به دام انداختن فروشندگان کالا، این بار متهم که برای کار از یکی از شهرهای جنوبی به تهران آمده بود، با گردشی در فضای مجازی شیوه سرقت از فروشندگان سایت دیوار را یاد گرفته بود و بقیه ماجرا.

شغلت چه بود؟

بیکار بودیم و با دوستم برای کار به تهران آمدیم.

سابقه داری؟

خیر.

چه شد که پایت به سرقت باز شد؟

در فضای مجازی از جمله اینستاگرام دنبال شغل بودیم که خبرهای سرقت را خواندیم. این شیوه از سرقت را با خواندن خبرها یاد گرفتیم.

از شیوه سرقت برایمان بگو.

در سایت دیوار فروشنده ماینر و پی استور را پیدا می‌کردیم.

چرا این دو دوستگاه؟

به خاطر اینکه خریدار این دو دستگاه زیاد بود، بعد با آنها در منزلشان قرار می‌گذاشتیم. بعد که وارد خانه می‌شدیم با بستن دست و پای صاحبخانه، دستگاه را سرقت می‌کردیم.

شاکی خانم هم دارید؟

نه، وقتی وارد خانه مورد نظر می‌شدیم، اگر در آن خانه زن یا بچه‌ای بود از تصمیم‌مان منصرف می‌شدیم.

چقدر کاسب شدید؟

هیچ کدام از وسایل را نفروختیم، می‌ترسیدیم بفروشیم. باور کنید تا حالا اینکار را نکرده بودیم. ما حتی به فکرمان نرسید صورتمان را بپوشانیم.

کلاهبرداری به بهانه سفر زیارتی

مرد میانسال متهم سابقه داری بود که محکوم به اعدام بود. او با دو بار بخشودگی یکبار به حبس ابد و سپس به ۱۵سال حبس محکوم شده بود. او در این سال‌ها با آموزش در زندان یک روش کلاهبرداری یاد گرفته‌بود که بعد از آزادی توانسته‌بود، از چند نفر به بهانه برنده شدن در سفر زیارتی مرتکب کلاهبرداری شود.

چند سال داری؟

۴۵ سال.

متأهلی؟

بله.

به چه اتهامی به زندان افتاده بودی و به اعدام محکوم شدی؟

به اتهام حمل هروئین و کراک ولی این حکم شکسته شده و یکبار به حبس ابد و باز به ۱۵ سال حبس محکوم شدم.

این روش را در زندان یاد گرفتی؟

بله، در آنجا زندانیانی که محکوم به حبس ابد یا اعدام بودند، با افراد خارج از زندان تماس می‌گرفتند و از آنها به بهانه برنده شدن در یک مسابقه رادیویی یا تلویزیونی کلاهبرداری می‌کردند.

حالا از شگرد خودت بگو.

من به صورت رندمی با چند شماره در شهرستان تماس می‌گرفتم. بعد به آنها می‌گفتم شما در یک سفر زیارتی برنده شده‌اید. سپس می‌خواستم به شماره کارتی که مربوط به یک فروشنده لوازم خودرو بود، پول واریز کنند. بعضی قبول می‌کردند و بعضی قبول نمی‌کردند.

ممکن بود در روز چند شماره را بگیری تا موفق شوی؟

پیش می‌آمد روزی صد شماره بگیرم تا موفق شوم.

گفتی پول را به حساب فروشنده لوازم خودرو می‌ریختی؟ آن شخص را می‌شناختی؟

نه، او فقط یک فروشنده بود که لوازم صوتی می‌فروخت. با او صحبت کرده بودم که یک ضبط خریداری کنم. از او شماره کارت گرفتم و یکی از مالباخته‌ها به حساب او پول ریخته بود. همین سرنخ هم باعث شد دستگیر شوم.

چطور؟

فروشنده به من شک کرده بود. روز اولی که به بهانه خرید ضبط رفتم، گفتم آن را برای خواهرم می‌خواهم. فروشنده اعتماد کرد و شماره کارت داد. روز بعد که رفتم ضبط را بگیرم گفت خودرو را بیارم خودش ضبط را نصب کند. گفتم خواهرم داخل ماشین است و چون آدم ولخرجی هستم، او به من پول نمی‌دهد و اصرار دارد خودش برایت پول واریز کند. او شک کرد و شماره ماشین را به پلیس داد و بعد بازداشت شدم.

بازداشت ۳ متهم تازه در پرونده سرقت بزرگ از بانک ملی

فرمانده انتظامی تهران از بازداشت سه متهم تازه در پرونده سرقت از صندوق امانات بانک ملی خبر داد و گفت سه متهم دیگر هم که در ترکیه بازداشت شده بودند، تا چند روز آینده به کشور بازگردانده می‌شوند.

به گزارش جوان، فرمانده انتظامی پایتخت، روز گذشته در حاشیه دومین مرحله از طرح کاشف در سال جاری که در مقر مرکزی پلیس آگاهی تهران بزرگ برگزار شد، با حضور در جمع خبرنگاران گفت: «بیش از ۹۰ کیلوگرم طلا و جواهرات سرقت شده از صندوق‌های امانات بانک ملی که از متهمان کشف شده بود، به خزانه بانک ملی تحویل داده شد. مسئولان این بانک با هماهنگی دادستانی نسبت به تحویل اموال مسروقه مکشوفه به مالباختگان اقدام خواهند کرد.»

سردار رحیمی از دستگیری سه متهم جدید در جریان این پرونده خبر داد و گفت: «این سه نفر بعد از دستگیری آن ۱۰ نفر بوده و به تازگی دستگیر شده‌اند که تحقیقات و بازجویی از آنها ادامه دارد. همچنین سه متهمی که با همکاری پلیس اینترپل در ترکیه دستگیر شده بودند، در هفته جاری به کشور منتقل خواهند شد. در این خصوص رایزنی‌ها بین مقامات دو کشور انجام و تشریفات لازم برای استرداد متهمان انجام شده است.»

رحیمی درباره اینکه آیا اموال قدیمی نیز در میان کشفیات وجود داشت یا خیر گفت: «برخی از طلا و جواهرات کشف شده بسیار قدیمی است و قدمت بالایی دارند.»

■ **تشریح طرح کاشف**

در ادامه سردار رحیمی در تشریح دومین مرحله از طرح کاشف در سال جاری گفت: «در این طرح ۳۴۲ نفر از محکومان فراری، قاتلان، سارقان مسلح، متجاوزان به عنف، جاعلان و در مجموع مجرمان حرفه‌ای دستگیر شدند. ۷۷نفر از دستگیر شدگان سارقانی بودند که در سرقت‌های مهمی مانند گوشی‌قاپی و زورگیری شرکت داشتند. ۶۱ نفر در سرقت منزل، ۵۹ نفر در سرقت خودرو و موتورسیکلت و ۸۹نفر جعل و کلاهبرداری فعالیت داشتند. همچنین ۲۹متهم به قتل و سرقت مسلحانه نیز دستگیر شدند.»

رئیس پلیس پایتخت با اشاره به اینکه در این مرحله از طرح ۲۷نفر از محکومان فراری و تحت تعقیب نیز دستگیر شدند، گفت: «از دستاوردهای این طرح انهدام هشت‌باند سرقت از منزل، ۱۹ باند سرقت خودرو، هفت باند کلاهبرداری و پنج‌باند سرقت مسلحانه بوده است.»

رحیمی در ادامه گفت: «متهمان دستگیر شده تا کنون به هزار و ۵۸۸فقره سرقت و اقدامات مجرمانه اعتراف کرده‌اند و تحقیقات از آنان همچنان ادامه دارد.»

وی با بیان اینکه بالغ بر یک‌میلیارد و ۶۰۰ هزار قلم کالای قاچاق کشف شده است، گفت: «ارزش کالای قاچاق مکشوفه در این طرح پلیس امنیت اقتصادی بالغ بر ۲۲۳ هزار میلیارد تومان است.»

■ **دستگیری سرشبکه‌های مجازی دلالان بازار ارز**

فرمانده انتظامی تهران بزرگ همچنین با اشاره به نوسانات قیمت ارز گفت: «پلیس امنیت اقتصادی طرح‌های ویژه‌ای را به اجرا گذاشته است که در این طرح‌ها ۳۹ نفر از سرشبکه‌های مجازی و دلالان بازار ارز دستگیر شده‌اند. همچنین ۱۱ کانال تلگرامی که به سرعت قیمت ارز را بالا می‌بردند شناسایی و ادمین آنها نیز بازداشت شده است.»

وی در ادامه از دستگیری هفت نفر از دریافت کنندگان ارز دولتی خبر داد و گفت: «این افراد تاکنون ۳هزار میلیارد تومان ارز دولتی دریافت کرده بودند که پلیس آنها را شناسایی و دستگیر کرد. همچنین ۱۲ نفر از محکومان فراری، اخلال گران اقتصادی و ابربدهکاران بانکی نیز در این طرح دستگیر شدند.»

آدمکش‌های اجاره‌ای گرفتار پلیس شدند

دو مرد افغان که متهم هستند تاجر لاستیک را با شلیک گلوله به قتل رسانده‌اند، می‌گویند از سوی تاجری افغانی اجیر شده‌اند.

به گزارش جوان، ساعت ۲۱ شامگاه یک‌شنبه ۲۹ خرداد ساکنان خیابانی در پاسداران با شنیدن صدای شلیک گلوله‌ای از خانه‌هایشان سراسیمه بیرون آمدند و با جسد خونین یکی از همسایه‌های‌شان پشت فرمان خودرواش روبه‌رو شدند و بلافاصله موضوع را به اداره پلیس خبر دادند. با اعلام این خبر قاضی محمدجواد شفیعی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران همراه تیمی از کارآگاهان اداره‌دهم پلیس آگاهی راهی محل شدند.

مأموران خیلی زود هویت مقتول را شناسایی کردند و مشخص شد وی مرد ۶۴ساله‌ای به نام حمید و تاجر لاستیک خودروهای سنگین است که هنگام برگشت از محل کارش در چند متری خانه‌اش از سوی افراد ناشناسی با شلیک گلوله کلت کمری به شقیقه‌اش به قتل رسیده است.

■ **ثبت چهره عاملان قتل در دوربین مداربسته**

مأموران پلیس در نخستین گام پس از بازبینی دوربین‌های مداربسته محل حادثه دریافتند لحظه حادثه دو مرد افغان که از چند ساعت قبل در نزدیکی خانه مقتول کمین کرده بودند به خودروی مقتول نزدیک می‌شوند و یکی از آنها با اسلحه کلت کمری تیری از سمت شیشه راننده به سوی مرد تاجر شلیک می‌کند و او را به قتل می‌رساند و سپس به سرعت با خودروی پژو از محل دور می‌شوند.

■ **اختلاف ۴۰۰ هزار دلاری**

مأموران پلیس در ادامه به رد پای یک تاجر افغان به نام شیر مرد رسیدند که مشخص شد او هم در کار تجارت لاستیک خودروهای سنگین فعالیت می‌کند. بررسی‌ها نشان داد مقتول از مدتی قبل بر سرزمین چند هزار متری در اطراف ورامین با تاجر افغان اختلاف داشته است و پس از طرح شکایت در دادگاه موفق شده نصف از آن زمین را به‌دست بیاورد. تحقیقات پلیسی حکایت از آن داشت تاجر ایرانی علاوه بر اختلاف زمین چند هزار متری با تاجر افغان اختلاف مالی ۴۰۰هزار دلاری هم داشته است.

■ **قاتلان اجاره‌ای**

بدین ترتیب مأموران پلیس تحقیقات خود را روی تاجر افغان متمرکز کردند و خیلی زود موفق شدند، بامداد دیروز عاملان قتل را که دو مرد افغان هستند شناسایی کرده و در شهرهای اطراف تهران به‌دام بیندازند. دو متهم پس از دستگیری ابتدا منکر جرم خود شدند، اما وقتی با دلایل و مدارک روبه‌رو شدند اعتراف کردند از سوی تاجر افغان برای قتل تاجر ایرانی اجیر شده بودند. قاتل در توضیح ماجرا گفت: «شیر مرد با مقتول در زمینه صادرات، واردات، خرید و فروش لاستیک خودروهای سنگین مراوده مالی و کاری داشت.

آن‌طور که به ما گفتند مدتی قبل مقتول ۴۰۰هزار دلار به شیر مرد می‌دهد و شیر مرد هم قرار بود در مقابل برای او اجناسی بفرستد، اما با هم اختلاف پیدا می‌کنند و تاجر افغان پول مقتول را پس نمی‌دهد. از طرفی هم تاجر ایرانی سعی داشت، زمین چند هزار متری را که با شیر مرد شریک بود، به خاطر طلبش تصاحب کند و همین موضوع باعث اختلاف بیشتر آنها شد. مدتی قبل تاجر ایرانی چند نفر را اجیر می‌کند و آنها هم شیشه‌های خانه شیر مرد را تخریب می‌کنند و باعث وحشت خانواده‌اش می‌شوند. پس از این شیر مرد از تاجر ایرانی کینه به دل گرفت تا اینکه ما را اجیر کرد او را به قتل برسانیم. شیر مرد به ما ۱۰۰میلیون تومان دستمزد داد و کلت کمری هم در اختیارمان را قرار داد تا با شلیک گلوله‌ای تاجر ایرانی را به قتل برسانیم، اما چند هفته قبل شریک او را اشتباهی هدف قرار دادیم. چون آن روز هر دوی آنها با هم از شرکت بیرون آمدند و هر دو هم خودروهای‌شان پژو بود که ما اشتباهی شریکش را زدیم.»

وی ادامه داد: «پس از این شیر مرد با ما تماس گرفت و گفت شریک حمید را به اشتباهی زده‌ایم و قرار شد دوباره نقشه قتل حمید را طراحی و اجرا کنیم. شب حادثه از چند ساعت قبل در نزدیکی خانه تاجر ایرانی کمین کردیم و وقتی او با خودرواش به نزدیکی در پارکینگ خانه‌اش رسید با شلیک گلوله او را به قتل رساندم.»

متهم دیگر هم در بازجویی‌ها اظهارات همدستش را تأیید کرد. دو متهم برای ادامه تحقیقات در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفتند.

امور مشترکین و توزیع روزنامه جوان
۸۸۴۹۸۴۷۶

مفقودی
برگ سبز وانت نیسان مدل ۱۳۸۵ به شماره موتور ۳۱۲۳۵۶ و شماره شاسی PL۱۴۰EE۰۵۳۶۳ و شماره انتظامی ایران ۱۵- ۱۴۵ی ۱۶ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است. تبریز

مفقودی
برگ سبز موتورسیکلت تیپ ۱۲۵cc آبی تک‌سیلندر به شماره موتور ۰۱۲۵N۲N۳۲۹۷۰۷ و شماره شناسایی N۲N***۱۲۵E۹۳۲۲۶۸۱ و پلاک ۴۲۸۶۸/۵۹۶ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. گلستان

مفقودی
برگ سبز خودرو سواری تیبا مدل ۱۳۹۳ به رنگ سفید به شماره پلاک ایران ۸۸ -۴۱۲د۶۳ و شماره موتور ۸۱۴۵۸۶۱ و شماره شاسی NAS۸۱۱۱۰۰E۵۷۹۰۵۱۸ متعلق به آقای امیر فلاح تفتی با کد ملی ۰۰۱۳۳۹۹۵۰۰ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. الف ل

مفقودی
گواهی می‌شود فاکتور بلوک سیلندر ۹۸۰۳۵۸۷۰۳ و به شماره موتور ۱۲۴۸۷۱۵۷۳۷۰ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. تبریز

آگهی فقدان مدرک تحصیلی
گواهینامه موقت پایان تحصیلات دوره کاردانی پیوسته اینجانب اسدالله مرادی فرزند یدالله به شماره شناسنامه / ملی ۴۵۶۰۰۰۹۰۲۳ صادره از سمنان در مقطع کاردانی پیوسته رشته ساختمان - کارهای عمومی ساختمان صادره از واحد دانشگاهی آزاد سمنان - مرکز شهمیرزاد با شماره ۲۰۸۹۵۶۳ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به نشانی سمنان، کیلومتر ۵ جاده سمنان - دامغان، مجتمع دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان ارسال نماید.